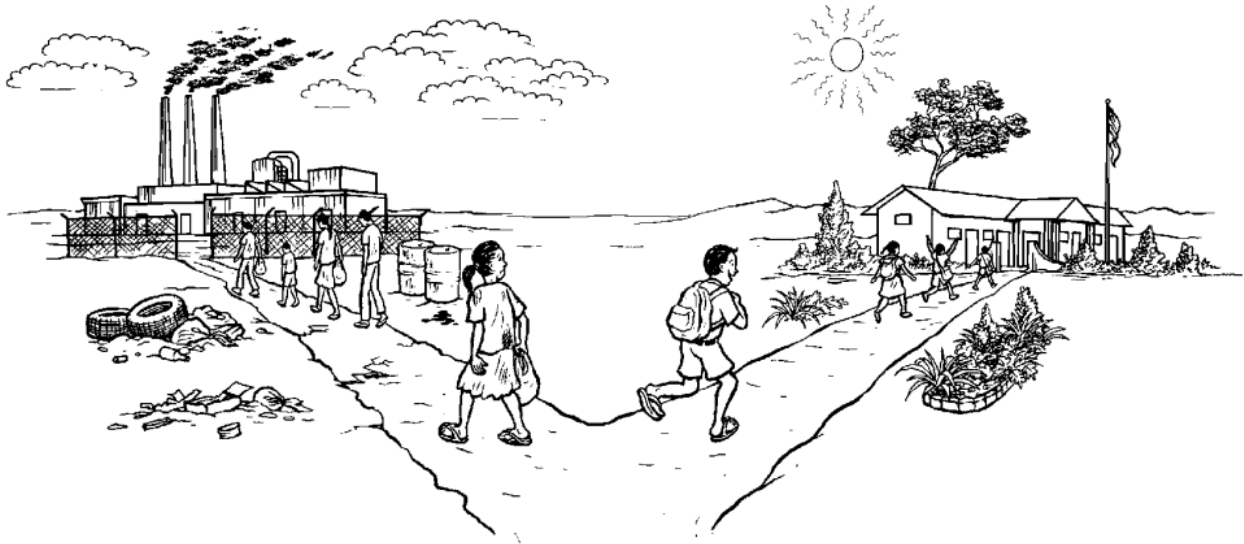


اطفال کارگر



امروزه کارخانجات مکان امنی برای کار اطفال نمی‌باشند. شرایط موجود در کارخانجات می‌تواند به بدن طفل که در حال رشد است آسیب برساند و شانس آنها را برای آن که بزرگسالی سالمی داشته باشند، کاهش می‌دهد. همانطور که سازمان بین‌المللی کار (ILO) می‌گوید: "اطفال متعلق به مکاتب هستند، نه به زنجیر تدارکات".

- با اطفالی که کار می‌کنند و خانواده‌هایشان تماس بگیرید تا نیازهای آنها را درک نمایید و راه‌حلهایی بیابید که به آنها کمک نماید، نه این که توان فقر را بپردازند.
- با رئیس مذاکره کنید تا برای اطفالی که کار می‌کنند دستمزد عادلانه پرداخت شود و به آنها کمک نمایند تا به مکتب بروند.
- اجتناب از کار کردن با رؤسایی که اطفال بسیار خورده‌سن را برای کار جذب می‌کنند و یا به اطفال کارهای خطرناک را می‌سپارند.
- گزارش دادن کارخانجاتی که بصورت غیرقانونی اطفال را استخدام می‌کنند به مقامات دولتی و نهادهای رفاه کودکان تا بتوانند به اطفال کارگر کمک نمایند که به مکتب بروند و نیز عاید کسب کنند.
- سازماندهی برای برنده شدن قوانینی که از اطفال محافظت کنند و کسانی را که بصورت غیرقانونی اطفال را استخدام می‌کنند مجازات نمایند.
- سازماندهی برای دستمزد کفاف زندگی که به خانواده‌ها اجازه دهد تا زندگی مناسبی داشته باشند، اطفال را در مکتب نگه دارند و به مواظبت از اطفال دسترسی داشته باشند (مراجعه شود به دستمزد زندگی یک حق بشری است- صفحه ۲۸۹).

کار فابریکه به اطفال آسیب می‌رساند



خطرات کاری که اطفال را متأثر می‌سازد با خطراتی که بزرگسالان با آن مواجه هستند تفاوتی ندارد. این خطرات شامل سروصدا، گرد و خاک، مواد کیمیایی، حریق و حرکات تکراری هستند.

اما شرایط کاری خطرناک می‌تواند به اطفال آسیب بیشتری برساند زیرا بدن و ذهن اطفال هنوز در حال تکامل است و در برابر صدمات و امراض بیشتر آسیب‌پذیر اند. صدمات یا بیماری ناشی از کار می‌تواند تکامل طفل را بطی سازد یا باعث نوعی معلولیت شود که مانع آموزش، کار و یا به دست آوردن وظیفه بهتر در بزرگسالی گردد.

کارگری طفل ممکن است در کارخانه و یا در خانه صورت گیرد.

افراد نوجوانی که کار می‌کنند

طفل کار یا طفل کارگر (Child labor) عبارت از نوعی کار یا کارگری است که توسط اطفال انجام شده و به سلامت، تکامل یا آموزش آنها آسیب می‌رساند. اطفال کارگر معمولاً در سن کمتر از سن تعیین شده برای کار منظم در کشورشان و یا زمانی که باید به مکتب باشند، کار می‌کنند. کارگری طفل در داخل کارخانجات کمتر معمول است اما این اطفال اغلب کارهای کارخانجات را در خانه یا در کارگاه‌های کوچکتر انجام می‌دهند.

بسیاری از کشورها به اطفال در سن مکتب اجازه می‌دهند تا برخی کارها را انجام دهند، اکثراً در اطراف خانه و یا در یک تجارت خانوادگی. قوانین ممکن است نوع کاری که کودکان در سن مکتب می‌توانند انجام دهند و ساعات کار آنها را محدود کنند. وقتی که اطفال در معرض مواد کیمیایی یا شرایط خطرناک قرار نگیرند و زمان کافی برای رفتن به مکتب، مطالعه، بازی و استراحت داشته باشند، معمولاً کاری که انجام می‌دهند به آنها آسیب نمی‌رساند.

کارگران جوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال سن دارند و در کشوری که سن قانونی برای کار زیر ۱۸ سال است، وظایف منظمی دارند. هرچند کارگران جوان ممکن است از دیدگاه قانون "طفل" نباشند اما هنوز هم مهارت‌ها و قضاوت کارگران بزرگتر یا کاهل را ندارند. بدن و ذهن آنها هنوز به رشد خود ادامه می‌دهد و قرار گرفتن در معرض مواد کیمیایی و کارهای تکراری آنها را بیشتر از کارگران بزرگ سال متأثر می‌سازد. اغلب نیاز به کسب درآمد مؤثر امکان تحصیل بیشتر آنها را خاتمه می‌دهد. به همین دلایل، کار در کارخانجات برای جوانان بیشتر از بزرگسالان مضر می‌باشد.

اطفال بیشتر از بزرگسالان صدمه می‌بینند

برخی از کارخانه داران اطفال را برای وظایف خاصی استخدام می‌کنند زیرا فکر می‌کنند انگشتان زیرک آنان بهتر کار می‌کند. با این حال، خطر صدمه دیدن اطفال بیشتر است زیرا آنها کوچکتر هستند و به اندازه بزرگسالان بر بدن و حرکات خود کنترل ندارند. ماشین‌ها، ابزارها و ایستگاه‌های کاری برای بزرگسالان طراحی شده‌اند، نه برای بدن کوچکتر اطفال.



خطراتی که اطفال را بیشتر از بزرگسالان متأثر می‌سازند

سروصدا: کارگران کم سن بیشتر از بزرگسالان در معرض خطر از دست دادن شنوایی هستند. حدود معروض شدن به سروصدا که برای بزرگسالان تعیین شده، برای اطفال ایمن نیست (مراجعه شود به فصل ۱۳: سروصدا).

گرمی: کارگران جوان همچنان نظر به بزرگسالان کمتر تحمل گرمی را دارند. یک محیط ایمن از نظر درجه حرارت برای بزرگسالان ممکن است برای یک طفل ایمن نباشد (مراجعه شود به فصل ۱۵: گرمی و سردی).

کار سنگین: کار سنگین ممکن است فشار زیادی بر استخوان‌های در حال رشد وارد کند و ممکن است باعث آسیب استخوان‌ها یا اختلال در رشد شود.

مواد کیمیایی: اطفال به آسانی و به طور جدی توسط مواد کیمیایی آسیب می‌بینند، زیرا:

- بدن آنها کوچکتر است بنابراین وقتی در معرض عین مقدار مواد کیمیایی قرار گیرند نسبت به بزرگسالان مقدار بیشتری از مواد سمی را دریافت می‌کنند.
- بدن آنها در حال رشد است و در برابر آسیب‌های ناشی از مواد کیمیایی سمی بیشتر آسیب پذیر است. قرار گرفتن در معرض مواد سمی در محل کار می‌تواند به اعضای در حال رشد، تعادل هورمونی و جلد اطفال آسیب رسانده و خطر ابتلا به سرطان را افزایش دهد.
- استخوان‌ها و بدن آنها سرب، دیگر فلزات و بخارات را سریعتر از بدن بزرگسالان جذب می‌کند که می‌تواند باعث مشکلات یادگیری و رشد شود.
- آنها سریعتر از بزرگسالان تنفس می‌کنند و این باعث می‌شود که در اثر آلودگی هوای داخل و بیرون از خانه بیشتر مریض شوند.
- آنها به زمین نزدیکتر هستند و بیشتر احتمال دارد که از مواد کیمیایی رسوب کرده در زمین بلع کنند، تنفس کنند یا با آنها تماس داشته باشند.

متضرر شدن تکامل فیزیکی

اطفال کارگر از مشکلات رشد و بطانت تکامل فیزیکی رنج می‌برند، به دلایل زیر:



فقدان فعالیت: اطفال کارگر اغلب نمی‌توانند بازی کنند، به اکتشاف ماحول یا محل خود بپردازند یا با اطفال دیگر تعامل داشته باشند. آنها همچنان به اندازه که برای رشد سالم جسمانی نیاز است، استراحت نمی‌کنند.

قرار گرفتن در معرض مواد سمی: معروض شدن اطفال کارگر به مواد سمی می‌تواند مشکلات صحتی مانند سردردی، مشکلات تنفسی و در طولانی مدت مشکلات تولید مثل، سرطان یا حتی مرگ را به همراه داشته باشد. سموم همچنان می‌توانند به توانایی افراد دارای سن کم در یادگیری آسیب برسانند.

اطفال معروض شده به مواد سمی ممکن است به آهستگی بیاموزند، مخرش و ناآرام باشند و یا علائم دیگر کاهش تکاملی را نشان دهند.

کمبود غذا: برخی از اطفال کار می‌کنند تا خانواده غذایی برای خوردن داشته باشند. با این حال، اطفالی که در کارخانجات کار می‌کنند اغلب در حین کار یا برای رسیدن به اهداف تولید، وعده‌های غذایی خود را به تعویق می‌اندازند. اطفال مصاب به سوء تغذی صحت ضعیف‌تری دارند، ممکن است بینایی خود را از دست بدهند، بطانت در رشد داشته باشند، ناتوانی در یادگیری و انرژی کمتری نسبت به سایر اطفال داشته باشند.

یادگیری رد شد

کار خسته کننده: اطفالی که به جای رفتن به مکتب، درس خواندن و بازی کردن، به اجرای کارهای ساده و خسته کننده می‌پردازند، مهارت‌های ذهنی، اجتماعی و یادگیری خوب را که برای عملکرد بهتر در محل و اجتماع ضروری است، کسب نمی‌کنند.

از دست دادن مکتب: اطفال کارگر معمولاً نمی‌توانند مکتب را تمام کنند و ممکن است خواندن، نوشتن یا حساب کردن را یاد نگیرند. اطفالی که آموزش نمی‌بینند در بزرگسالی فرصت‌های کاری کمتری خواهند داشت.

داستان نور

نور در روستایی کوچکی به نام سردانگ لاما در ایالت سلانگور کشور مالیزیا زندگی می‌کند. او از ۷ سالگی در یک کارخانه کوچک تولید بلوز (T-Shirt) کار می‌کند.

او بلوزهای چاپ شده را قات می‌کند تا بسته بندی شوند. او ۶ روز در هفته از ساعت ۸:۳۰ صبح تا ۵:۳۰ عصر کار می‌کند. او وقت ندارد تا با اطفال دیگر بازی کند.

"من دوست دارم که مکتب بروم اما ما پول نداریم. بنابراین من به کار کردن در اینجا ادامه می‌دهم."

علائم مناسب بودن کار طفل

- طفل سن قانونی برای انجام کارهای تنظیم شده توسط قانون را دارد یا در یک تجارت خانوادگی کار می‌کند.
- طفل به مکتب می‌رود و برای مطالعه، بازی و استراحت وقت دارد.
- دیده می‌شود که از طفل خوب مواظبت می‌شود، صحتمند و شاد است.
- کار با سن و سال و توانایی‌های جسمی و ذهنی طفل متناسب است.
- دختران و پسران فرصت‌های مساوی برای کار دارند.
- طفل توسط بزرگسالان مسئول و دلسوز نظارت می‌شود.
- محل کار ایمن است و برای سلامتی یا زندگی طفل خطرناک نیست.
- کار دستمزد مناسبی می‌پردازد و مهارت‌های شغلی را ارائه می‌دارد تا طفل بتواند در آینده کار بهتری پیدا کند.
- طفل برای پرداخت قروض خانواده کار نمی‌کند.

علائم مضر بودن کارگری طفل

- طفل در سن مکتب است اما به مکتب نمی‌رود.
- سن کودک و نوع کار او تخطی از قوانین ملی و بین‌المللی را نشان می‌دهد.
- طفل خسته، کتیف، کم تغذیه، مریض یا ناراضی به نظر می‌رسد.
- طفل به دلیل فقر خانوادگی، ترک از خانواده و یا بیماری یا مرگ والدین مجبور به کار شده باشد.
- دختران به دلیل ممانعت از مکتب مجبور به کار شده باشند.
- دستمزد مناسبی به طفل پرداخت نمی‌شود.
- طفل مجبور شده است با دستمزد کم یا بدون دستمزد کار کند.
- طفل بدون نظارت کار می‌کند و یا توسط بزرگسالانی که سوء رفتار دارند، نظارت می‌شود.
- طفل در ساعاتی که باید مکتب برود، زمانی که باید درس بخواند و یا بسیار صبح وقت یا بسیار ناوقت شب که باید استراحت نماید، کار می‌کند.
- کار خطرناک است، غیرصحیح است و یا برای سن و توانایی‌های جسمی و ذهنی طفل بسیار دشوار است.
- طفل با سوء رفتار (آزار) عاطفی، کلامی، فیزیکی یا جنسی مواجه می‌شود.

علل کارگری طفل

فقر خانواده، قرض یا یتیم بودن اغلب بر اطفال فشار می‌آورد تا به جای رفتن به مکتب، کار کنند.

عدم استخدام و نداشتن دستمزد کفاف زندگی

بزرگسالان شامل وظیفه باید در یک هفته کاری منظم به اندازه کافی دستمزد داشته باشند تا بتوانند خانواده خود را حمایت کنند. به هر حال، دستمزد کم، وظیفه ناپایدار و بیکاری در میان بزرگسالان بسیاری از خانواده‌ها را در فقر نگه می‌دارد. مشاغل کارخانه‌های صادراتی معمولاً معاش کافی برای بقای خانواده‌ها را ندارند، بنابراین حتی اطفال نیز مجبور به کار هستند. کارفرمایان اغلب اطفال کارگر را استخدام می‌کنند زیرا می‌توانند معاش کمتری نسبت به بزرگسالان به آنها بدهند. باین حال آنها انتظار دارند که اطفال مانند بزرگسالان کار نمایند.

وعدۀ دروغین آموزش شغلی

اطفال و نوجوانان گاهی با دستمزد کم یا بدون معاش کار می‌کنند، زیرا در وظیفه برای آنها نوید داده شده است که مهارت‌های شغلی را می‌آموزند تا در آینده کار بهتری داشته باشند. در بسیاری از کشورها، برای فابریکه دادن دستمزد کارآموزی قانونی است. اما سپس آنها سعی می‌کنند از پرداخت معاش اصلی طفره رفته و به مدت طولانی برای جوانان پرداخت دستمزد کم را ادامه می‌دهند.

بیماری و عدم موجودیت مواظبت صحی

بیماری‌های اچ آی وی، سل، ملاریا و فقدان مواظبت‌های صحی توانایی افراد را برای مواظبت از فرزندان‌شان تضعیف می‌کند و این اطفال اغلب مجبور می‌شوند تا برای جبران کار والدین از دست رفته ویا مریض‌شان، کار کنند. این بیماری‌ها زمانی قابل پیشگیری و تداوی هستند که مردم به دواها و مواظبت‌های صحی دسترسی داشته باشند و وظایفی داشته باشند که بتوانند رژیم غذایی سالمی داشته باشند و در شرایط سالم زندگی کنند.



مکتب رفتن امکان پذیر نیست

اگرچه بسیاری از کشورها قوانینی دارند که می‌گوید همه اطفال می‌توانند به مکتب بروند اما بسیاری از اطفال هنوز از مکتب و تعلیم محروم هستند. بسیاری‌ها ممکن است توان پرداخت مصارف تعلیم و تربیه اطفال خود را نداشته باشند ویا مکاتب ممکن است دور باشند و امکانات حمل و نقل وجود نداشته باشد. دختران اغلب از مکتب باز می‌مانند تا برای پرداخت مصارف مکتب برادران شان کار کنند ویا تحت فشار قرار می‌گیرند تا در سنین پائین از دواج نمایند.

از اطفال محافظت نمایید و کارگری اطفال را خاتمه دهید

دولت‌های ملی حداقل سن را تعیین می‌کنند که در آن یک جوان بتواند کار منظم با معاش را شروع کند. این اغلب همان سنی است که اطفال بتوانند سال‌های تعلیمی را که مطابق قانون الزامی است به پایان برسانند و اکثراً نظر به نوع کار بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی می‌باشد. ممالک صنعتی ثروتمند اکثراً سال‌های بیشتری را برای مکتب الزامی ساخته‌اند و افراد جوان ممکن است وظیفه منظم را در سنین ۱۷ یا ۱۸ سالگی بتوانند شروع کنند. سازمان بین‌المللی کار (ILO) و سازمان ملل متحد حداقل سن را بصورت عمومی ۱۵ سالگی تعیین کرده‌اند.



سازمان ملل متحد و سازمان بین‌المللی کار در مورد اطفال و کار



کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق اطفال می‌گوید که طفل فرد کمتر از ۱۸ ساله است و اطفال باید توسط دولت‌های خود محافظت شوند.

- اطفال حق تعلیم را دارند.
- اطفال حق استراحت و اوقات فراغت و بازی را دارند.
- اطفال نمی‌توانند کارهایی را انجام دهند که ممکن است خطرناک باشد، کارهایی که در آموزش طفل اختلال ایجاد می‌کند یا کارهایی که برای سلامتی یا تکامل جسمی، ذهنی، عاطفی، اخلاقی یا اجتماعی طفل مضر باشد.
- دولت‌ها باید حداقل سن را برای شروع کار منظم تعیین کنند، ساعات و شرایط کار را تنظیم نمایند و برای اطفال کارگر بهبود جسمی، روانی و ادغام آنها را در اجتماع احیاء نمایند.

کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار در مورد حداقل سن (شماره ۱۳۸) و کنوانسیون بدترین اشکال اطفال کارگر (شماره ۱۸۲) می‌گوید:

- اطفال ممکن است از ۱۲ تا ۱۳ سالگی کارهای سبک را انجام دهند، اما باید برای مکتب آنها، استراحت، بازی و یا سلامتی آنها مضر نباشد.
- حداقل سن برای شمولیت به وظیفه ۱۵ سالگی است.
- حداقل سن برای شمولیت در وظایف خطرناک ۱۸ سالگی است.
- بدترین اشکال کارگری اطفال باید ممنوع شود.

کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار برای معاینات صحی افراد جوان (شماره ۷۷) می‌گوید:

- اطفال و افراد جوان قبل از شروع به وظیفه و هر سال در جریان وظیفه باید معاینات صحی شوند.

نقش سازمان ملل متحد، سازمان بین‌المللی کار و سایر سازمان‌های بین‌المللی که برای ارتقاء حقوق کارگران کار می‌کنند در ضمیمه الف تشریح شده است.

روی علل ریشه‌ای تمرکز کنید

جهت از بین بردن علل ریشه‌ای کارگری طفل، ما به اقتصادی نیاز داریم که علیه فقر کار کند و از تعلیم و تربیه هر طفل حمایت نماید.

- سازماندهی برای ایجاد شرایط بهتر کار و دستمزدها بهتر برای همه کارگران. این باعث کاهش تعداد اطفالی می‌شود که برای کمک به خانواده‌های خود مجبور به کار می‌شوند.
- ارائه تعلیمات و آموزش و وظیفوی برای بزرگسالان به منظور افزایش توانایی آنها برای کسب دستمزد بهتر.
- اجرائی ساختن قوانین تا اطمینان حاصل شود که کارگران دستمزد و مزایایی را که مستحق می‌باشند، مانند حداقل دستمزد، اضافه کاری، تأمین اجتماعی، مواظبت صحتی و مزایای دوره حاملگی و زایمان را دریافت می‌کنند.

انجمن‌های اطفال کارگر



پراسرت پسر جوانی است از ولایت خون-خین در شمال شرق کشور تایلند.

زمانی که من چند سالی در کارخانه‌ای در بانکوک (پایتخت کشور تایلند) کار می‌کردم، یکی از دوستانم درباره کلوپ اطفال کارگر برایم گفت. کلوپ به اطفال کارگر کمک می‌کند تا سازماندهی شوند و بدین‌طریق در مورد حقوق خود آگاهی کسب کنند. همچنان کلوپ با کارفرمایان کمپاین می‌کند که به اطفال کارگر فرصت‌های آموزشی بدهند تا برای آینده بهتر آماده شوند.

من شروع به رفتن به جلسات کلوپ کردم و کارکنان کلوپ مرا تشویق کردند که برای کلوپ بصورت تمام وقت منحصبت سازمان دهنده با معاش کار کنم. من از اطفال کارگر در محل کارشان بازدید می‌کنم تا از شرایط کاری آنها مطلع شوم. سپس ما در مورد حقوق اطفال کارگر صحبت می‌کنیم و آنها را تشویق می‌کنم که برای کسب معلومات بیشتر شامل فعالیت‌های کلوپ شوند. من همچنان برای نشریه کلوپ نویسندگی می‌کنم و گاهی در رویدادهای کلوپ کمک می‌کنم.

در کارخانه تمام روز را بدون این که به چیز دیگری فکر کنم کار می‌کردم، فقط کارهای سپرده شده را تمام می‌کردم. اینجا باید خیلی فکر کنم، سازماندهی بسیار دشوارتر از هر کار دیگری است که انجام داده‌ام. گاهی اوقات آنقدر نگران می‌شدم که می‌خواستم کار را ترک کنم، اما کارکنان اینجا مرا تشویق کردند که ادامه دهم و در این کار بسیار خوب شده‌ام!

تعلیم و تربیه برای همه اطفال

تعلیم و تربیه باید در نزدیکی موجود بوده، با نیازها و علایق طفل مرتبط باشد، کیفیت خوب داشته باشد و رایگان باشد (یا حداقل با توانائی پرداخت مردم تناسب داشته باشد). اگر کارگران کارفرما را تحت فشار قرار دهند تا اطفال را اخراج کند، اغلب اطفال مجبور می‌شوند برای کسب در آمد به مشاغل دیگری حتی بدتر از کار در کارخانه بپردازند. برای این که طفل یک جایگزین واقعی برای کار داشته باشد، باید از فقر خانواده کاسته شود و باید مکتبی موجود باشد که طفل بتواند در آن تعلیم نماید. سازمان شما می‌تواند:

- به اطفال کارگر کمک نماید تا مکاتب رایگان را پیدا کرده و شامل آن گردند. این مکاتب گاهی اوقات تعلیمات حرفوی نیز دارند. مطمئن شوید که این مکاتب غذای رایگان و مغذی نیز به شاگردان می‌دهند.
- به خانواده‌ها حمایت اقتصادی داده شود تا جایگزینی برای در آمدی باشد که طفل به دست می‌آورد.
- به اطفال کارگر یتیم، غذا و سرپناه داده شود تا بتوانند در عوض کار، در مکتب درس بخوانند و در آموزش تعلیمات حرفوی شرکت کنند.
- هرگاه اطفال از خانواده جدا شده باشند، دوباره ارتباط آنها را با خانواده‌های شان برقرار سازند.

برنامه دادن پول به مکاتب به جلوگیری از کارگری اطفال کمک می‌کند

برای کمک به توقف کارگری اطفال، دولت برازیلیا که یک ایالت کشور برازیل است، یک پروژه کمک مالی برای حمایت از خانواده‌های فقیر را آغاز کرد. اکثر اطفال کارگر از سببی کار می‌کنند که خانواده‌های آنها به پولی که درآمد دارند وابسته اند. این برنامه که "بولسا اسکولا" یعنی "کمک هزینه تعلیمی" نامیده می‌شود به خانواده‌های فقیر در برابر هر فرزند خانواده که به طور منظم به مکتب می‌روند، کمک هزینه ماهانه پرداخت می‌کند. این پول جایگزین سهم فرزندان در اقتصاد و درآمد خانواده می‌شود و به خانواده آنها اجازه می‌دهد تا مایحتاج اولیه خود را تأمین کنند.

برنامه "بولسا اسکولا" در رابطه به دادن فرصت برای اطفال جهت رفتن به مکتب در عوض کار، موفق بوده است: حضور در مکتب در برخی از جوامع دو برابر شده است و اطفال روزهای کمتری از مکتب غیرحاضری می‌کنند. "بولسا اسکولا" اکنون یک برنامه ملی است. این برنامه با برنامه "بولسا فامیلی" یا "کمک هزینه فامیلی" که یک برنامه ایست برای کمک نمودن خانواده‌ها در ازای واکسین نمودن اطفال شان، توأمیت یافته است. این برنامه همچنان به سایر کشورهای امریکای لاتین و افریقا نیز توسعه یافته است.

حکومت باید حقوق اطفال را تأمین کند

فشار بر دولت برای انجام وظایفش:

- اجرایی ساختن حقوق اطفال که در کنوانسیون‌های بین‌المللی و در قوانین ملی، ایالتی و محلی برای اطفال اعطا شده است.
- تعیین محدودیت‌های قانونی برای کار کردن اطفال مکتب: قوانین حمایت از اطفال کارگر معمولاً تعداد ساعات و نیز ساعاتی از روز را که طفل می‌تواند کار کند محدود می‌کند. این برای جلوگیری از تضاد ساعات کار با زمان مکتب، مطالعه، بازی و استراحت است. این محدودیت‌ها معمولاً اطفال را از انجام کارهای مضر مانند استفاده از ابزارهای برقی، کار در نزدیکی ماشین‌های خطرناک، استفاده از مواد کیمیایی، کار در مناطق گرم و حمل وسایل سنگین منع می‌کنند.
- نیاز اجازه‌نامهٔ مکتب برای کار اطفال: در برخی کشورها، کارفرما باید برای هر طفلی که استخدام می‌کند از مکتب مجوز بگیرد. این مجوز نشان می‌دهد که طفل در حال تعلیم است و کارفرما محدودیت‌های کار اطفال را می‌داند.
- ایجاد برنامه‌ها برای اطفال یتیم: در مراکز محلی جوانان می‌توان برنامه‌هایی برای مواظبت از اطفال یتیم یا بی سرپرستی که مجبور به کار کردن برای تأمین مخارج خود هستند، ایجاد کرد.
- کمک هزینهٔ مالی برای حمایت از درآمد خانواده‌ها: ایجاد برنامه‌های مبتنی بر جامعه، مانند کمک هزینه‌های عاید اساسی خانواده، مواظبت از اطفال، آشپزخانه‌ها و وعده‌های غذایی مشترک، سواد آموزی بزرگسالان، تعلیم و تربیه و آموزش شغلی برای کمک به خانواده‌ها برای حفظ اطفال در مکتب و کسب عاید برای بزرگسالان.

اتحادیه‌ها در برازیل دست به اقدام زدند

کنفدراسیون کارگران متحد (CUT) یک کمپاین ملی را برای جلوگیری از کار اطفال در برازیل ترتیب داد. آنها ابتدا با مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها برای مطالعهٔ اطفال کارگر و نظریات مردم در مورد کارگری اطفال در هر منطقه، همکاری شدند. مردم احساس می‌کردند که بهتر است اطفال در مناطق شهری کارکنند تا در مناطق روستایی. آنها می‌گفتند: "حداقل آنها کار می‌کنند و در کوچه و سرک زندگی نمی‌کنند."

سپس آنها تلاش کردند در جوامع برای مبارزه با پایان دادن کار اطفال، حمایت ایجاد کنند. آنها از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، روزنامه‌ها، کتاب‌ها، پوسترها، فلم‌ها و یک نمایشگاه عکس برای افزایش آگاهی در مورد حالات و شرایط اطفال کارگر استفاده کردند.

آنها همچنین کارفرمایان را تشویق کردند که در مورد اطفال کارگر با اتحادیه‌ها صحبت کنند. اتحادیه‌ها اطفال را از کار در خطرناکترین وظایف منع کردند و به آنها و خانواده‌هایشان کمک کردند. این کمپاین همچنان حمایت‌هایی را برای آموزش بهتر، حمایت از درآمد و برنامه‌های تفریحی ایجاد نمود که همهٔ آنها گامی در جهت جلوگیری از کارگری اطفال در آینده هستند.